

اِشَارَات و تَنْبِيْهَات (۲)

۱. گفتاوردی از ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی از زبدة الحقائق عین القضاة همدانی
۲. ستایش فخر رازی از شریف مرتضی
۳. انتشار مجموعه رسائل علوم عقلی شمس الدین محمد خفّری

۳۹-۵۰

چکیده: سلسله مقالاتی که زیر عنوان «اشارات و تنبیهات» منتشر می‌شود مجالی است برای طرح و تحریر جستارهای گونه‌گون انتقادی و کتاب‌گزارانه و تراث‌پژوهانه که هر یک از آن جستارها نوشتاری است کوتاه و مستقل در باب موضوعی مشخص و ممتاز. بخش دوم از این مقالات مشتمل است بر سه نوشته و یادداشت. در «گفتاوردی از ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی از زبدة الحقائق عین القضاة همدانی» با اشاره به گفتاوردی از ترجمه فارسی زبدة الحقائق خواجه نصیرالدین طوسی شاهدی بر درستی انتساب این اثر به خواجه ارائه شده است. «ستایش فخر رازی از شریف مرتضی» نوشتاری است در بازگفت عباراتی شایان توجه از فخر رازی در توصیف و ستایش شریف مرتضی. یادداشت «انتشار مجموعه رسائل علوم عقلی شمس الدین محمد خفّری» نیز به معرفی مختصر مجموعه‌ای نوانتشار از رساله‌های فلسفی و کلامی و منطقی خفّری اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: خواجه نصیرالدین طوسی، ترجمه فارسی زبدة الحقائق، عین القضاة همدانی، فخر رازی، شریف مرتضی، شمس الدین محمد خفّری.

Ishārāt wa Tanbīhāt (Part II)

Hamid Atai Nazari

Abstract: The series of articles published under the title “Ishārāt wa Tanbīhāt” is an opportunity to design and write various critical, bibliographic and heritage research essays, each of which is a short and independent one on a specific and distinguished topic. This second part of these series consists of three essays and notes. In “An essay about the translation of Khājh Naṣīr al-Dīn Ṭūsī from Zubdat al-Ḥaqāiq by ‘Eyn al-Quḍāt Hamidānī”, referring to an allusion to the Persian translation of Zubdat al-Ḥaqāiq by Khājh Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, which proves that the attribution of this work to Khājh is correct. “Praise of Fakhr Rāzī on Sharīf Murtaḍā” is a title of another article citing the remarkable phrases from Fakhr Rāzī in the description and praise of Sharīf Murtaḍā. The note “Publication of Shamsuddīn Muhammad Khafarī’s collection of treatises on intellectual sciences” is also dedicated to a brief introduction of the newly published collection of Khafarī’s philosophical, theological and logical treatises.

Keywords: Khājh Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, Persian translation of Zubdat al-Ḥaqāiq, ‘Eyn al-Quḍāt Hamidānī, Fakhr Rāzī, Sharīf Murtaḍā, Shamsuddīn Muhammad Khafarī.

إشارات وتنبهات (٢)

حميد عطائي نظري

الخلاصة: إن سلسلة المقالات التي ننشرها هنا بعنوان (إشارات وتنبهات) توفر مجالاً لطرح وتحرير مقالات نقدية مختلفة واستعراضات للكتب وبحوث تراثية، بحيث يمتاز كل واحد من هذه المقالات بالاختصار والاستقلال واختصاصه بأحد المواضيع المعينة والممتازة.

أما القسم الثاني من مقالات (إشارات وتنبهات) فهو عبارة عن ثلاثة إشارات بين مقالة وملاحظة، وهي:

١ - مقالة (اقتباس من ترجمة الخواجة نصير الدين الطوسي لكتاب زبدة الحقائق لعين القضاة الهمداني)، وفيها يقدم الكاتب شاهداً على صحة انتساب هذه الترجمة للخواجة من خلال الإشارة إلى اقتباس من ترجمة الخواجة نصير الدين الطوسي لكتاب زبدة الحقائق إلى اللغة الفارسية.

٢ - مقالة (مدح الفخر الرازي للشريف المرتضى). وهو مقال في استرجاع واستذكار بعض عبارات الفخر الرازي المثيرة للاهتمام في وصف ومدح الشريف المرتضى.

٣ - ملاحظة (انتشار مجموعة رسائل العلوم العقلية لشمس الدين محمد الحفري)، وهو يتكفل بتقديم تعريف مختصر لمجموعة حديثة الانتشار من الرسائل الفلسفية والكلامية والمنطقية للحفري. المفردات الأساسية: الخواجة نصير الدين الطوسي، الترجمة الفارسية لزبدة الحقائق، عين القضاة الهمداني، الفخر الرازي، الشريف المرتضى، شمس الدين محمد الحفري.

۱. گفتاوردی از ترجمه‌ خواجه نصیرالدین طوسی از زبدة الحقائق عین القضاة همدانی

یکی از آثاری که در برخی از منابع در فهرست نگاشته‌های دانشمند امامی عالی مقام خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ ه.ق.) ثبت شده است ترجمه فارسی وی از زبدة الحقائق عین القضاة همدانی (د: ۵۲۵ ه.ق.) است. تاکنون آگاهی درخور و شایان توجهی از این اثر منسوب به خواجه در دست نبوده است و تا آنجا که راقم این سطور می‌داند، دست‌نوشتی از آن هم تا به امروز شناسایی نشده. تراجم نگار دانشور نامور، قاضی نورالله شوشتری (ش: ۱۰۱۹ ه.ق.) در ضمن شرح احوال و آثار خواجه نصیر از ترجمه مزبور چنین یاد کرده است:

«و ترجمه کتاب زبدة الحقائق عین القضاة همدانی و شرح مواضع مشکله آن به التماس و تکلیف امیر ناصرالدین محتشم که از داعیان طایفه اسماعیلیه بود»^۱.

طبق این گزارش قاضی شهید، خواجه نصیرالدین طوسی بنا به درخواست ناصرالدین محتشم (د: ۶۵۵ ه.ق.)، حاکم اسماعیلی قهستان، برگردانی پارسی از کتاب زبدة الحقائق عین القضاة همدانی به همراه شرح و توضیح عبارات دشوار آن فراهم آورده بوده است. می‌دانیم که خواجه به خواهش ناصرالدین محتشم برگردانی همراه با تهذیب و تکمیل از کتاب طهارة الأعراق یا تهذیب الأخلاق ابوعلی مسکویه (د: ۴۲۱ ه.ق.) را نیز نگاشته بوده که به مناسبت تقدیم اثر به ناصرالدین محتشم آن را اخلاق ناصری نامیده است. گزارش یادشده از قاضی نورالله ظاهراً در حال حاضر مهم‌ترین سند برای انتساب نگارش ترجمه زبدة الحقائق عین القضاة همدانی به خواجه نصیرالدین طوسی است. شادروان استاد مدرّس رضوی در شمار آثار خواجه نصیر از این ترجمه نیز یاد کرده است و در معرفی آن تنها به بازگفت سخنان قاضی نورالله بسنده نموده^۲. همچنین، علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی در الذریعة به ترجمه مورد بحث با عنوان «شرح زبدة الحقائق» اشاره کرده است و همان گفتار قاضی نورالله شوشتری را درباره نگارش این اثر به قلم خواجه بازگو نموده^۳. ثقة الإسلام تبریزی نیز در مرآة الکتب کلامی افزون بر گفته قاضی در خصوص ترجمه مزبور ابراز نداشته است^۴.

به‌رغم تصریحات و اشارات پیشگفته در خصوص انتساب ترجمه زبدة الحقائق به خواجه نصیر، پاره‌ای تشکیکات و تردیدها و بل انکارها در این باب مطرح شده است. برای نمونه، کتاب شناس شهیر، میرزا عبدالله آفندی اصفهانی (د: ح ۱۱۳۰ ه.ق.) در دو اثر ارزنده خود، یعنی ریاض العلماء و تعلیقه أمل الأمل ضمن شرح احوال خواجه نصیر پس از معرفی مکتوبات مؤتق و اصیل وی، به یادکرد

۱. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۲ ش.، ج ۴، ص ۵۱۵.

۲. مدرّس رضوی، محمّدتقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، اساطیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.، ص ۵۸۰.

۳. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۶، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.، ج ۱۳، ص ۳۰۲.

۴. التبریزی، علی بن موسی، مرآة الکتب، تحقیق: محمّد علی الحائری الخزم آبادی، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی،

قم، ۱۳۸۰ ش / ۱۴۲۲ ق.، الجزء الرابع، ص ۳۵۴.

از پاره‌ای آثار منسوب به خواجه پرداخته است و از جمله به ترجمه کتاب زبدة الحقائق اشاره نموده. میرزا عبدالله، نویسنده زبدة الحقائق را شیخ علاءالدوله معرفی کرده است^۵ و با بیان عبارت «فی الأخير إشکال» انتساب چنین اثری به خواجه نصیر را با مشکل مواجه دانسته. برخی از محققان معاصر نیز به گزارش پیشگفته قاضی نورالله شوشتری درباره ترجمه زبدة الحقائق به دیده تردید نگریسته‌اند و حتی آن را نادرست قلمداد کرده‌اند.^۶

اما اطلاع تازه‌ای که موجب تقویت احتمال و حتی یقین به وجود ترجمه کتاب زبدة الحقائق به قلم خواجه نصیرالدین طوسی می‌شود گفتاوردهایی است از این اثر که قاضی نورالله شوشتری، یعنی همان گزارشگر اصلی ترجمه خواجه از زبدة الحقائق، در رساله النور الأتور و النور الأزهر فی تنویر خفایا رساله القضاء و القدر آورده است. رساله النور الأتور اثری است از قاضی نورالله در پاسخ به ردیه مفسر و متکلم و صوفی هند، علاءالدین علی بن احمد بن ابراهیم مهائمی کونکی (۷۷۶ - ۸۳۵ ه.ق.) بر رساله استقصاء التظرف فی البحث عن القضاء والقدر علامه حلی زیر عنوان استجلاء البصر فی الرد علی استقصاء التظرف. این رساله قاضی تاکنون منتشر نشده است اما دست‌نوشتی از آن به خط خود قاضی نورالله شوشتری در دسترس است که کتابت آن در سال ۱۰۱۸ هجری قمری به انجام رسیده.^۸

قاضی در موضعی از رساله النور الأتور به نقل قسمتی از کتاب زبدة الحقائق عین القضاء همدانی پرداخته است و سپس به اعتراضی که خواجه نصیرالدین طوسی در ترجمه خویش از این کتاب بر سخن عین القضاء وارد نموده اشاره کرده است:

۵. ظاهراً چنین لقبی برای عین القضاء همدانی معروف و متداول نبوده است و دانسته نیست که مراد از «شیخ علاءالدوله» چه کسی است.

۶. «وترجمة كتاب زبدة الحقائق للشيخ علاء الدولة، ولنا في الأخير إشکال». أفندی الاصبهانی، المیرزا عبدالله، تعلیقة أمل الأمل، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، قم، ۱۴۱۰ ق.، ص ۲۹۹؛ نیز نگرید به: همو، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۵، ص ۱۶۴.

۷. عقیف غسیران در مقدمه خود بر ویراست کتاب تمهیدات عین القضاء همدانی درباره ترجمه فارسی زبدة الحقائق چنین اظهار داشته است که: «از مورخین و تذکره‌نویسان متأخر تنها دو نفر ترجمه فارسی زبدة الحقائق را در تذکره‌های خود ذکر کرده‌اند که قابل توجه است: قاضی نورالله شوشتری مورخ اوایل قرن یازدهم - و قتیبه که از محمد بن محمد طوسی و آثار او صحبت میکند ترجمه زبدة الحقائق و شرح آن را به او نسبت می‌دهد؛ و حاجی خلیفه (مورخ اواخر قرن یازدهم) بوجود ترجمه فارسی زبدة الحقائق اشاره نموده و چند سطر از آغاز این کتاب نقل کرده است؛ اما او راجع بترجم زبدة الحقائق چیزی نگفته است. ما تقریباً تمام کتابخانه‌های ترکیه را برای ترجمه زبدة جستجو کردیم و هیچ اثری از آن پیدا نشد. از دانشمند محترم آقای ریتر Ritter مستشرق آلمانی که در حدود سی سال کتابخانه‌های ترکیه را بررسی کرده جويا شدیم گفتند: از کجا دانسته‌ای که ترجمه‌ای درباره زبدة وجود دارد؟ قول مرعشی به ایشان ارائه شد تبسم کردند و گفتند: به اقوال مرعشی نباید استناد کرد زیرا گفته‌های مرعشی گاهی ساخته خیال است. اما راجع بقول حاجی خلیفه؛ گمان می‌کنیم که او مانند جامی تمهیدات را ترجمه زبدة الحقائق دانسته است.» عین القضاء المیانجی الهمدانی، ابوالمعالی عبدالله بن محمد، تمهیدات، مقدمه و تصحیح: عقیف غسیران، انتشارات منوچهری، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ش، صص ۵ - ۶.

۸. نگرید به: المرعشی الحسینی الشوشتری، نورالله بن شریف، النور الأتور و النور الأزهر فی تنویر خفایا رساله القضاء و القدر، نسخه عکسی شماره ۱۵۴۵ کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قم، برگ ۶۱ آ.

«وهنا سؤال مناسب وقد؟ في جوابه عين القضاة فقال في كتاب الزبدة:

إن قيل: إن كان الواجب في السببية تاماً فهو [كامل]؟، وإن كان ناقصاً ويكون تمامه بانضمام شرط فذلك الشرط يكون شريكاً له في السببية؛ فلم لا تجوزون أن يسمى غيره تعالى سبباً مع اعترافكم بأن بعض الأشياء شرط في وجود البعض؟

قلنا: وجود الشرط مؤثر في استعداد المشروط لقبول الوجود لا في سببية ذات الواجب، كما أن انكشاف السحاب مؤثر في استعداد الأرض لقبول نور الشمس وليس له في تكميل الشمس تأثير أصلاً. انتهى.^۹

واعترض عليه المحقق الطوسي - قدس سره - في ترجمته: بأن الاعتراف بتأثير الشرط في حصول الاستعداد مناقض لقولهم "لا مؤثر في الوجود غير الله"، فليفرق بين أن يقال: «غير الله مؤثر» وبين أن يقال: «غير الله سبب و شرط». انتهى.^{۱۰}

گفتاورد یادشده از ترجمه خواجه نصیراز زبدة الحقائق عين القضاة همدانی آشکارا نشان می دهد که قاضی نورالله دست نوشتی از این ترجمه را در اختیار داشته است. با توجه به اینکه برگردان خواجه به زبان فارسی بوده نقل قول قاضی از آن در واقع از گونه نقل به مضمون است و نه نقل عین کلمات و عبارات ترجمه خواجه.

در ادامه مطلب پیشگفته، قاضی نورالله ایرادی را که شیخ عمادالدین فضل الله مشهدی (ش: ۹۱۴ هـ.ق.)^{۱۱} در شرح لوائح جامی در ردّ اعتراض خواجه نصیربر کلام عين القضاة مطرح کرده است نقل نموده:

«ورد عليه عمدة أدكباء الموحدين الشيخ عمادالدین فضل الله المشهدي - قدس سره - في شرح اللوائح: بأن وجه التناقض ليس بظاهر، بل الظاهر عدمه؛ لأنّ النفي [كذا] السببية والمؤثرية إنما هو باعتبار الوجود، وإثباتها متعلق بقبول الوجود». ^{۱۲}

۹. عین عبارات عين القضاة در کتاب زبدة الحقائق از این قرار است: «وبقی ههنا من الإشکال أن يقال: إن كان الواجب كاملاً في السببية فلم تأخر وجود المسبب عنه وتأخر وجود المسبب عن السبب الموجود بكماله محال؟ وإن كان ناقصاً في السببية وتمت ببعض الشروط سببته فقد ثبت له شريك في كونه سبباً، فما بالكم لأتجزون تسمية غيره سبباً مع اعترافكم بأن وجود بعض الأشياء شرط في وجود البعض؟ وهذا إشکال يسهل علينا دفعه فإننا نقول: وجود الشرط إنما أثر في استعداد المشروط للوجود لا في سببية الذات الواجبة، كما أن انقشاع السحاب إنما يؤثر في استعداد الأرض لاشراق نور الشمس، وليس له أصلاً تأثير في تكميل الشمس». عين القضاة همدانی، عبدالله بن محمد، زبدة الحقائق، متن عربی به تصحیح: عفيف عسيران، ترجمه فارسی: مهدی تدین، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۴۷.

۱۰. المرعشی الحسینی الشوشتری، نور الله بن شریف، النور الأثور والنور الأزهر في تنوير خفايا رسالة القضاء والقدر، نسخه عكسی شماره ۱۵۴۵ کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قم، برگ ۱۶ آ.

۱۱. درباره شرح احوال و آثار او نگرید به: شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۲، ش. ۴، صص ۴۰۷ - ۴۱۴.

۱۲. المرعشی الحسینی الشوشتری، نور الله بن شریف، النور الأثور والنور الأزهر في تنوير خفايا رسالة القضاء والقدر، نسخه عكسی

از این نقل معلوم می‌شود که علاوه بر قاضی نورالله شوشتری، شیخ عمادالدین فضل الله مشهدی نیز به ترجمه‌ی خواجه نصیر از کتاب زبدة الحقائق عین القضاة همدانی دسترس داشته بوده است و به نقل و نقد پاره‌ای از سخنان خواجه در آن دست‌یازیده بوده.

سپس قاضی ضمن نادرست شمردن ایراد شیخ عمادالدین فضل الله مشهدی بر اعتراض خواجه نصیر، به نقل عباراتی دیگر از ترجمه‌ی زبدة الحقائق خواجه پرداخته تا نشان دهد اعتراض خواجه موجه است و ایراد شیخ عمادالدین بر او ناموجه:

«وأقول: هذا الإيراد منه إنما نشأ من قصر النظر في فصل من كتاب الزبدة ذكر فيه المحقق - قدس سره - هذا الاعتراض والغفلة عما في بعض الفصول السابقة؛ وذلك لأن صاحب الزبدة قد تصدى في الفصلين السابقين على هذا الفصل الذي هو بمنزلة فذلكتهما لتقرير مذهب الأشاعرة وهو... وقال المحقق - قدس سره - هناك:

«إنّ مذهب الأشاعرة... يقولون لا موجود إلا الله. وكلاهما حقّ إن أريد بالموجود موجود يكون بذاته موجوداً وبالْمؤثّر ما يكون بذاته - بلا استفادة الوجود من غير - مفيداً للوجود، لكن الأشاعرة لا يجوزون إطلاق "المؤثّر" على غيره تعالى مطلقاً، لا ما يكون مؤثراً بذاته، ولا ما يكون واسطة أو آلة أو شرطاً في وجود الغير. وصاحب الكتاب يباليغ بكلامه هذا في تقرير ذلك المذهب، لكنّه في إثبات الشرط لا يراعى شرط ذلك المذهب. انتهى.»

فظهر أنّ مراده - قدس سره - بالتناقض المذكور التناقض الذي بين ما ذكره صاحب الزبدة في الفصلين السابقين تقريراً لمذهب الأشاعرة وما في الفصل اللاحق متفرعاً عليهما، لا بين المقدمتين المذكورتين في هذا الفصل بخصوصه، كما توهمه هذا الموحد الفريد - قدس سره. ۱۳

عبارات پیشگفته که از موضعی دیگر از ترجمه و شرح خواجه از کتاب زبدة الحقائق نقل شده است حاکی از آن است که قاضی نورالله خود به این ترجمه و شرح دسترس مستقیم داشته و نقل او از ترجمه به واسطه‌ی منقولات شیخ عمادالدین فضل الله مشهدی از آن نبوده است. باز در اینجا نیز روشن است که آنچه قاضی از برگردان خواجه بازگو کرده به شیوه‌ی نقل به مضمون است و عین عبارات پارسی خواجه در ترجمه‌ای که از زبدة الحقائق فراهم آورده بوده نیست.

بنابراین اکنون از طریق رساله‌ی النور الأنور قاضی نورالله به مضمون دو پاره نوشته‌ی زیر از ترجمه و شرح خواجه نصیر از زبدة الحقائق عین القضاة آگاهی داریم:

۱) «واعترض عليه المحقق الطوسي - قدس سره - في ترجمته: بأن الاعتراف بتأثير الشرط في حصول الاستعداد مناقض لقولهم "لا مؤثر في الوجود غير الله"، فليفرق بين أن يقال: «غير الله مؤثر» وبين أن يقال: «غير الله سبب و شرط». انتهى.»

۲) قال المحقق - قدس سره - هناك: «إن مذهب الأشاعرة ... يقولون لا موجود إلا الله. وكلاهما حق إن أريد بالموجود موجود يكون بذاته موجوداً وبالمؤثر ما يكون بذاته - بلا استفادة الوجود من غير - مفيداً للوجود، لكن الأشاعرة لا يجوزون إطلاق "المؤثر" على غيره تعالى مطلقاً، لا ما يكون مؤثراً بذاته، ولا ما يكون واسطة أو آلة أو شرطاً في وجود الغير. وصاحب الكتاب يبالح بكلامه هذا في تقرير ذلك المذهب، لكنه في إثبات الشرط لا يراعى شرط ذلك المذهب. انتهى.»

این گفتاوردهای قاضی نورالله شوشتری از ترجمه و شرح زبدة الحقائق خواجه نصیر و نیز اشاره شیخ عمادالدین فضل الله مشهدی به سخنان خواجه در آن تا حد زیادی ما را به نگارش چنین اثری به خامه خواجه مطمئن می سازد و تشکیکات ابراز شده در خصوص انتساب آن به وی را برطرف می کند. با توجه به اینکه دست نویسی از ترجمه خواجه از زبدة الحقائق تا زمان حیات قاضی (ش: ۱۰۱۹ ه.ق.) در دسترس بوده است می توان امید داشت که هنوز هم اثری از آن باقی مانده باشد و زمانی دست نوشتی از این ترجمه گرانها شناسایی شود. اکنون می توان از گفتاوردهای قاضی نورالله از ترجمه فارسی زبدة الحقائق خواجه نصیر برای شناسایی و تأیید نسخه هایی از برگردان فارسی زبدة الحقائق که انتساب آنها به او محتمل باشد نیز بهره مند شد.

یادآوری این نکته نیز بایسته است که عین القضاة همدانی اثر دیگری نیز نگاشته است به زبان فارسی که به دو عنوان تمهیدات و زبدة الحقائق فی کشف الدقائق (زبده / زبدة الحقائق) نامیده شده و از حیث ساختار و محتوا به کلی متمایز است از زبدة الحقائق عربی که خواجه آن را به فارسی ترجمه نموده. کتاب تمهیدات یا زبدة الحقائق فی کشف الدقائق اثری کلان در عرفان و تصوف و سیر و سلوک است ولی زبدة الحقائق عربی رساله ای است به نسبت مختصر در الهیات که با رویکرد فلسفی - عرفانی نگاشته شده. هم اکنون دست نوشت های فارسی پرشماری زیر عنوان زبده یا زبدة الحقائق در کتابخانه های ترکیه و مصر معرفی شده است که در واقع نسخه هایی است از تمهیدات عین القضاة و ربط و نسبتی با ترجمه فارسی خواجه از زبدة الحقائق عربی ندارد. با این حال، همچنان احتمال پیدا شدن دست نویسی از برگردان خواجه در میان این نسخ می رود. آنگونه که شادروان استاد مجتبی مینوی اظهار داشته است وی احتمال داده که دست نوشتی از ترجمه فارسی زبدة الحقائق را در یکی از کتابخانه های ترکیه دیده بوده باشد.^{۱۴} به هر روی، امیدوارم هر چه زودتر نسخه ای از برگردان ارج آور

۱۴. «در مقدمه راجع به ترجمه زبدة الحقائق بحث فرموده اید که نسخه آن را ندیده اید. آنچه من بیاد دارم و گمان می کنم در نسخه های ترکیه دیده ام دو نوع زبدة الحقایق فارسی هست که یکی همان تمهیدات است که باین اسم نامیده اند و دیگری فارسی آن زبدة الحقایق عربیست. بعضی از نسخ در جزء عکسهای فیلمی دانشگاه موجود باید باشند. و اگر مسلم باشند که نصیرالدین

۲. ستایش فخر رازی از شریف مرتضی

وَسَمَائِلُ شَهِدِ الْعَدُوِّ بِفَضْلِهَا وَالْفَضْلُ مَا شَهِدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ^{۱۵}

شریف مرتضی علم الهدی (د: ۴۳۶ ه.ق.) بی‌گمان یکی از دانشوران جامع‌الاطراف در درازنای تاریخ تفکر شیعه و در زمره چند متکلم برجسته صاحب‌مکتب در کلام امامیه است. او و استادش شیخ مفید (د: ۴۱۳ ه.ق.) و خلف شایسته آنها خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ ه.ق.) سه چهره شاخص و بی‌همتا در میان متکلمان امامی‌اند که آثار و اندیشه‌های آنان شکوفایی و بالندگی کلام امامیه را در پی داشته است. سید مرتضی بنیانگذار مکتبی در کلام امامی است که شمار بسیاری از دانشوران و فحولی چون شیخ طوسی و ابوالصلاح حلبی پیروان بوده‌اند. مراتب و مقامات علمی شریف مرتضی شهرتی فراگیر داشته است و موافق و مخالف او را به تحسین وی واداشته. ستایش‌های برخی از متکلمان نامدار اشعری و معتزلی از علم الهدی آیت باهرو بارز دیگری است بر مرتب والای علمی شناخته‌شده او نزد دانشمندان غیر امامی. از جمله، ستایشی که فخرالدین رازی (د: ۶۰۶ ه.ق.)، متکلم برجسته اشعری، از شریف مرتضی نموده است و در یکی از آثار خود ابراز داشته به‌غایت خواندنی است و به یادماندنی. فخر رازی در کتاب *الرياض المونقة في آراء أهل العلم* که نگاشته‌ای است نیکو در فرقه‌نگاری، آنگاه که به زعم ناصواب خود به ایراد پاره‌ای اشکالات بر باورهای امامیه پرداخته است، به گفتاری از شریف مرتضی در کتاب *نفیس الشافی في الإمامة* اشاره نموده و او را با عبارات زیر توصیف و تحسین کرده است:

«أَنَّ الشَّرِيفَ الْمَرْتَضِيَّ، وَهُوَ أَجَلُ الْإِمَامِيَّةِ قَدْرًا وَأَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَوْصَهُمْ فِكْرًا، رَوَى فِي الشَّافِي أَنَّ السَّامِعِينَ لِهَذَا النَّصِّ كَانُوا قَلِيلِينَ»^{۱۶}.

در عبارت یادشده، فخر رازی، سید مرتضی را بطور مطلق، گرانقدرترین و دانشمندترین و ژرف‌اندیش‌ترین عالم امامی معرفی کرده است و بدین‌سان او را ستایش نموده. این ثنای فخری از مرتضای بغداد هنگامی جلوه بیشتری می‌یابد که عظمت مقام علمی خود فخر را از یکسو، و عداوت و عناد وی با امامیه و امامیان را از سوی دیگر فریاد آوریم. بی‌تردید فخر رازی یکی از چند متکلم مبتکر و متفکر متبحر کل تاریخ کلام اسلامی و اشعری و از سرآمدان اندیشه‌وران تمدن اسلامی است و توصیفات پیشگفته وی درباره شریف مرتضی را نباید به هیچ روی سهل و ساده انگاشت. از ارجاعاتی که فخر رازی در مکتوبات خود به آثار مختلف شریف مرتضی داده است نیک روشن است که وی با اندیشه‌ها و نگاشته‌های شریف مرتضی آشنایی کافی داشته و از سرنا آگاهی سخنی به‌گزار نکرده است. باری، چه با داوری فخر رازی در خصوص اوصافی که برای شریف مرتضی برشمرده است همداستان باشیم یا

۱۵. دیوان السَّريِّ الرَّفَّاء، تحقیق ودراسة: حبیب حسین الحسنی، دار الرشید للنشر، بغداد، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱۶. الرازی، فخرالدین، *الرياض المونقة في آراء أهل العلم*، تحقیق: أسعد جمعة، مرکز النشر الجامعی وکلیة الآداب و العلوم الإنسانية بالقیروان، قیروان، ۲۰۰۴ م، ص ۳۹۸.

نه، این توصیف و تحسین فخر رازی مقام علمی علم الهدی را نزد وی نشان می‌دهد.

در اینجا به مناسبت ذکر تمجید فخر رازی اشعری از سید مرتضی، اشاره به ستایشی دیگری از علم الهدی، این بار به لسان متکلمی معتزلی، سودمند و درخور توجه تواند بود. حاکم چشمی (م ۴۹۴ هـ. ق)، عالم برجسته معتزلی زیدی نیز در توصیف و مدح سید مرتضی سخنانی سخت تأمل برانگیز ابراز داشته است. وی در ترسیم جایگاه شریف مرتضی در بالندگی مکتب امامیه، او را قوام بخش مذهب و مکتب تشیع معرفی کرده است. چشمی در الرسالة (التامة) فی نصیحة العامة به نقش سید مرتضی و نگاهشده‌های وی در شکل‌گیری ابعاد علمی مختلف مذهب تشیع اشاره کرده، می‌گوید:

«صار هذا المذهب مذهباً بالمرتضی، لأنه صنف الكتب فی الاصول والفروع والإمامة، و نصره و خلط التوحید و العدل به».^{۱۷}

این بیان حاکم چشمی که مذهب امامیه به دست شریف مرتضی تبدیل به یک مذهب و مکتب شد، علی‌رغم اغراق ناسزاوار و داوری یکسو نگرانه‌اش، و با این‌که یکسره از سرِ ناهمدلی با امامیه رقم خورده است، به خوبی نشانگر نقش برجسته تألیفات علم الهدی در تکون جنبه‌های علمی گوناگون مذهب تشیع، دست کم از منظر عالمی معتزلی همچون چشمی است.

ارزیابی تأثیرات مکتوبات پرشمار و گوناگون شریف مرتضی در تکوین و گسترش دانش‌های مختلف در مکتب تشیع مجالی فراخ و پژوهش‌هایی درازدامن می‌طلبد که درخور این نوشتار کوتاه نیست. اما در باب اندیشه‌ها و نگاهشده‌های کلامی سید مرتضی، که بخشی سترگ و گرانسنگ از میراث علمی اوست، به اختصار توان گفت که این بخش از تراش وی از چند جهت حائز اهمیت و شایان توجه جدی است: نخست آنکه مکتب کلامی شریف مرتضی، اولین مکتب کلامی بازمانده «مبسوط» و «نظام‌مند» در فرهنگ امامیه به شمار می‌آید که نظامی مفصل و منسجم از اعتقادات امامیه را ارائه کرده است. این مکتب، همچنین، نمودار عقل‌گرایانه‌ترین مکتب پدیدآمده در کلام امامیه است که احیای آن در عصر حاضر، برای تعدیل خردگریزی حاکم بر جریان پرطرفدار خشوی بسیار نافع و لازم به نظر می‌رسد. افزون بر اینها، نگاهشده‌های کلامی سید مرتضی، آثاری اصیل و حاوی اندیشه‌های بدیع کلامی است و به هیچ وجه، رونوشتی محض از اندیشه‌ها و نوشته‌های متکلمان امامی پیش از او نیست. و دست‌آخراينکه، مکتوبات کلامی شریف مرتضی قرائتی متقدم و خوانشی مهم از اعتقادات شیعی را حکایت می‌کند که برای شناخت تشیع راستین بسیار ثمربخش و گرانبهاست.

با وجود وجوه اهمیت یادشده از میراث کلامی شریف مرتضی، شوربختانه پژوهش‌های قابل ملاحظه

۱۷. حاکم چشمی، ابوسعید محسن بن محمد، الرسالة (التامة) فی نصیحة العامة، نسخه خطی برلین شماره گلاسر ۷۳ (Glaser) 73 p. 2 (موزخ ۷۹۳ هجری قمری)، برگ ۲۴ ب.

چندانی در باب آثار و اندیشه‌های کلامی وی صورت نگرفته است و همچنان در تدوین یک اندیشه‌نامه کلامی جامع و عالمانه بر بنیاد مکتوبات سید مرتضی ناکام بوده‌ایم. آثار اندکی هم که تاکنون در این زمینه نشر یافته است تحقیقاتی است عمدتاً سطحی و ناکافی که به هیچ روی مناسب شأن و مقام والای شریف مرتضی نیست.

۳. انتشار مجموعه رسائل علوم عقلی شمس‌الدین محمد خفّری

یکی از حکیمان نامدار مکتب فلسفی شیراز شمس‌الدین محمد بن احمد خفّری (د: ۹۴۲ ه.ق.)، فیلسوف و منجم متبحر عصر صفوی است. در چند دهه اخیر نگاه‌ها و اندیشه‌های خفّری مورد توجه بعضی از پژوهندگان قرار گرفته است و شماری از مکتوبات ارزشمند فلسفی و کلامی و منطقی وی نشر یافته. از جمله این آثار مطبوع می‌توان اشاره کرد به دو رساله منطقی عبرة الفضلاء^{۱۸} و حیرة الفضلاء^{۱۹}، و کتابهایی با عناوین تعلیقه بر الهیات شرح تجرید ملاً علی قوشچی^{۲۰}، سواد العین فی حکمة العین^{۲۱}، و رساله‌هایی چون: الرسالة فی إثبات واجب الوجود بالذات و صفاته، الرسالة فی الإلهیات، الرسالة فی مهمات مسائل الکلام من الإلهیات الهادیة إلى معرفة المبدأ الأول، الرسالة فی الإلهیات، الرسالة فی إثبات واجب الوجود إشراقیة - مشائیة و نیز تمة کلام الفاضل الخفّری فی کلام الصوفیة که در یک مجموعه به طبع رسیده است.^{۲۲}

چندی پیش به مناسبت برگزاری همایش ملی علامه شمس‌الدین محمد بن احمد خفّری مجموعه‌ای از رسائل فلسفی و کلامی و منطقی وی به کوشش فاضل و محقق گرانمایه جناب آقای محمد برکت در دو مجلد منتشر شد که در اینجا به اختصار معرفی می‌شود. در این دو مجلد افزون بر کتابشناسی آثار علامه خفّری شانزده رساله زیر منتشر شده است:

جلد نخست شامل:

- (۱) تفسیر آیه الكرسی. (۲) الأربعینیات. (۳) الرسالة فی إثبات واجب الوجود.

۱۸. چاپ شده در: دوازده رساله در پارادوکس دروغگو، مقدمه، تصحیح و تعلیق: آخند فرامرزی قزاملکی، همکار تصحیح: طبیبه عارف‌نیا، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش، صص ۲۶۴-۲۶۹.

۱۹. چاپ شده در: همان، صص ۲۷۱-۳۰۹.

۲۰. خفّری، شمس‌الدین محمد بن احمد، تعلیقه بر الهیات شرح تجرید ملاً علی قوشچی، مقدمه و تصحیح: فیروزه ساعتجیان، میراث مکتوب، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش، ۲۳۲ ص.

۲۱. خفّری، شمس‌الدین محمد بن احمد، سواد العین فی حکمة العین (حواشی بر شرح حکمة العین میرک بخاری) به ضمیمه رساله أسفار العارفین، تصحیح، تعلیق و تحقیق: علی فتحی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش، ۱۴۹ ص.

۲۲. خفّری، شمس‌الدین محمد بن احمد، ست رسائل فی إثبات واجب الوجود بالذات و فی الإلهیات، تحقیق و تعلیق: دکتر فیروزه ساعتجیان، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش، ۲۸۰ ص.

- ۴) الرسالة في إثبات واجب الوجود إشراقية - مشائية. (۵) أسفار العارفين.
۶) الرسالة في الإلهيات.
۸) تنمة كلام الفاضل الخفري في كلام الصوفية.
۹) حاشية شرح الجديد للتجريد (تعليقه برهيات شرح تجريد ملاء على قوشچی).
۱۰) سواد العين في حكمة العين (حاشية شرح حكمة العين).
۱۱) الرسالة في مهمات مسائل الكلام من الإلهيات الهادية إلى معرفة المبدأ الأول.

و جلد دوم شامل:

- ۱۲) عبرة الفضلاء. (۱۳) حيرة الفضلاء. (۱۴) مراتب الوجود.
۱۵) حاشية شرح التجريد الجديد (بخش امور عامه). (۱۶) تحقيق الهيولى.

از میان عناوین یادشده، به غیر از حاشیه شرح التجريد الجديد (بخش امور عامه) که با تصحيح آقایان غلامرضا بنان و علی محمد ساجدی و رساله تحقيق الهيولى که با تحقيق آقای عبدالعلی بهادری برای نخستین بار در این مجموعه از رسائل خفري به چاپ رسیده است، سایر رسائل پیشتر نیز نشر یافته بوده. بنابراین از شانزده اثر مندرج در مجموعه رسائل علوم عقلی شمس الدین محمد بن احمد خفري چهارده رساله قبلاً به طبع رسیده بوده که اینک تمام آنها یکجا تدوین و باز چاپ شده است. طبق گفته مدون ارجمند مجموعه، این «نسخه‌های چاپی با چند نسخه خطی منتخب بازخوانی شد و جهت پرهیز از تطویل، اختلاف نسخه‌ها ثبت نشد و ارجاع به مصادر صورت پذیرفت».^{۲۳} بر این اساس، تفاوت اصلی این ویراست تازه از چهارده رساله مذکور با ویراست‌های پیشتر منتشر شده از آنها عبارتست از مقابله متن این رسائل با برخی دست‌نوشته‌های دیگر^{۲۴} و بازویرایی آنها. همچنین، در ویراست جدید، سازواره انتقادی و ارجاعات لازم «جهت پرهیز از تطویل» ارائه نشده است. تدوین و نشر مجموعه رسائل علوم عقلی خفري گامی مهم در معرفی و تسهیل دسترس به مکتوبات ارزنده این حکیم و الهی‌دان برجسته است. امیدوارم مدون دانشور این مجموعه ارزشمند به تجدید نشر آن با انجام اصلاحات و ارجاعات ضروری و ارائه سازواره انتقادی توفیق یابد و ویراستی منقح‌تر از رسائل خفري را فراهم آورد.

با توجه به نشر ویراست‌های پیشگفته از آثار فلسفی و کلامی خفري اکنون زمینه برای پژوهش در آثار و آراء حکمی او مهیا است و باید تحقیقاتی در تعریف و تحلیل آنها صورت پذیرد. نگرش‌ها و نگارش‌های فلسفی - کلامی خفري، خاصه از جهت اثرگذاری آنها بر نظام حکمت متعالیه ملاحظه بسیار حائز اهمیت و درخور توجه است.

۲۳. خفري، شمس الدین محمد بن احمد، مجموعه رسائل علوم عقلی شمس الدین محمد بن احمد خفري، ص ۹.

۲۴. مشخصات این نسخه‌ها ارائه نشده است.